

## از ده روز دیماه که ایران را لرزاند چه آموخته ایم؟

اگر چه مدت ها بود همه از امکان شورش گرسنگان در ایران سخن می گفتند اما این اعتراض عظیم توده ای نه تنها رژیم اسلامی که بسیاری از فعالان سیاسی از جمله چپ را غافلگیر کرد. نه تنها فعالان چپ و بخشی از سازمانهای چپ در خارج از کشور که حتی بسیاری از فعالان کارگری و نظریه پردازان چپ در ایران نیز بدلیل شکل ویژه این حرکت اعتراضی از همسویی با این جنبش اعتراضی جا ماندند. این جنبش اعتراضی متأسفانه نتوانست با جنبش های موجود مدنی، اعتراضات جاری کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، معلمان و بازنشستگان و ... پیوند خورده و ماندگار شود. این جنبش گویی که از جنس دیگری بود، از نسلی دیگر با زبانی دیگر، که نوید دوران جدیدی را می داد. نه حتما که یک جنبش اعتراضی پیشرو باشد، که جنبشی چابک بود که خواست اساسی آن "نه" گفتن به وضع موجود بود و سرنگون طلبی. طوفان سهمگینی بود که نتوانست پس از رویارویی با ارتجاع سنگر جدیدی ایجاد کند یا در سنگرهای موجود مدنی پناه بگیرد. البته پرداختن به این امر خود بحث مفصل دیگری را می طلبد.

یکی از مختصات این جنبش اعتراضی **طرح صریح خواست براندازی** نظام اسلامی بود که نوید پایان دوره دخیل بستن اجتماعی به شفاخانه استحاله طلبان را می داد. نوید نسلی نو، نسلی پس از 18 تیر 78 و جنبش 88. نسلی که در بیان خواسته های اجتماعی - سیاسی و فرهنگی دیگر زبان مدارا و مصلحت و سیاست گام بگام را نه با یاد داشت و نه مدافعتش بود.

مختصه دیگر این **جنبش اعتراضی جوان** بودن و بی تجربگی نیروهایی بود که پا در خیابان گذاشته بودند و بی سبب نبود که شاهد تشکیل تجمعات سریع و برخورد خشن و مستقیم تری با ارگانهای سرکوب رژیم بودیم. گویا این درس تلخ تاریخ است که هر نسلی که قیام می کند بخش اعظم درس قیام نسل پیش از خود را فراموش می کند و یا شاید این تقصیر بر عهده نسلی است که تجارب انقلابی خود را نمی تواند تمام و کمال به نسل بعدی انتقال دهد.

**گسترده جغرافیایی** این اعتراضات تنها شباهت به اعتراضات سال 1357 داشت و شدت آن در نواحی و شهرهای دور از مراکز استانی نشان از **شرکت فعال تر مردم در حاشیه تولید اقتصادی و کم درآمد** داشت.

**خود بخودی بودن و عدم سازماندهی مشترک سیاسی** و حتی شعارها و خواستههای مشترک از مختصات دیگر این جنبش اعتراضی بود. تنها و تنها شعار **تغییرات بنیادی و سرنگون طلبانه نقطه مشترک این حرکات اعتراضی** بود. البته هنوز اطلاق "بود" به این جنبش اعتراضی شاید صحیح نباشد چون هنوز اینجا و آنجا کماکان شاهد شعله های آتش این اعتراض هستیم.

اگر چه این جنبش اعتراضی با خواست های اقتصادی شروع شد اما این حرکت بسرعت سیاسی شد و عملا نقش اپوزیسیون داخلی را از اصلاح طلبان دولتی گرفت و نشان داد تمام جناح های حکومتی هم کاسه هستند و اپوزیسیون واقعی حتی اگر شده باشد برای ده روز خود این جنبش اعتراضی است. و بیجا نیست که هنوز که هنوز است سران رژیم اسلامی از ضرورت گوش دادن به صدای اعتراض مردم سخن می گویند و برخی از جناح های حکومتی آشکارا اعلام می کنند صدای جنبش اعتراضی را شنیده اند. نه تنها رژیم اسلامی که نیروهای سیاسی ایران نیز صدای اعتراض را شنیدند اما وقتی نیک به بیانیه ها و مواضع این نیروها بنگریم می بینیم هر جریان سیاسی تقریبا تنها آن صدایی را شنید که دوست داشت بشنود و هر جریان سیاسی تلاش کرد این جنبش اعتراضی را پاره ای از خود و هم سو و هم جهت سیاسی با خود قلمداد کند. سلطنت طلبان تنها شعار های رضا شاه دوستانه را شنیدند و بخش عظیم چپ جنبش گرسنگان را متحد طبیعی خود شناخت و باز همان شعار کلیشه ای تشکیل کمیته های انقلابی و اتحاد انقلابیون برای سرنگونی رژیم را سر داد و جبهه ملی و مجاهدین شعار رفراندوم تحت نظر سازمان ملل بخوان برهبری ترامپ را سر دادند. اگر ساده بخواهیم بگوییم تمامی این نیروها نشان دادند که سیاست و توانایی برای رهبری عملی یک حرکت اعتراضی و کانالیزه کردن آن را ندارند و تمامی استراتژی و تاکتیک آنها در سرنگونی رژیم اسلامی و پرتاب شدن تصادفی آنها بر اریکه قدرت ختم می شود و این یک شانس تاریخی برای آنان است که نمی بایست به هیچوجه از کف برود. متأسفانه سیاست تازاندن یک حرکت اعتراضی بی رهبر، گسترش نیافته به لحاظ نفرات و بدون سپر دفاعی تشکلات مدنی هم به تاکتیک و هم به استراتژی برخی از جریانهای سیاسی بدل گشت.

بخشی از چپ آنچنان شیفته جنبش اعتراضی سرنگون طلبانه شد که تمامی درس های شکست انقلاب بهمین را به ناگاه به فراموشی سپرد و مبلغ تازاندن اعتراضی شد که تنها و تنها یک هدف داشت و آنهم سرنگونی به هر قیمت و با هر شعار و با هر ریسک. این بخش از چپ فراموش کرد که تازاندن اعتراضات و شورش های اجتماعی و ندادن فرصت برای بلوغ و سازماندهی جنبش های اعتراضی یکی از شگردهای ضدانقلاب آماده و ارتجاع جهانی است تا در نبود یک آلترناتیو دمکراتیک و تشکلات توده ای یک ارتجاع را براحتی جایگزین ارتجاع دیگر کنند. بخشی از این چپ آشکارا طرح سنگربندی توده ای در شرایط انقلابی را بازگشت به عقب نامید و نشانه بسیار نگران کننده ای را به معرض نمایش گذارد و آن اعلام عدم پابندی به تجارب و آموخته هایی بود که بسیاری از ما گمان می کردیم در اندیشه بخش اعظم چپ دیگر نهادینه شده است. بخشی آنچنان شیفته جنبش اعتراضی گشتند که آنرا جنبش انقلابی نامیدند و نشان دادند شناخت روشنی از مفاهیم شورش، اعتراض، قیام، انقلاب و انقلابی از منظر چپ ندارند.

ده روزی که ایران را لرزاند درسی بود با هزینه اجتماعی بسیار کم برای چپ و جنبش کارگری ایران. فرصتی دیگر که تا طوفان اجتماعی بعدی به نقد سیاست خود بنشیند و نقش خود، وزن خود، نیروی بسیجگر خود و درستی شعارهای خود را یکبار دیگر بازآزمایی کند. چپ تنها براندازی نیست. ما براندازی را برای جایگزینی نظامی می خواهیم که در آن آزادی و دمکراسی و امکان انجام رفرم های عمیق سوسیالیستی امکان پذیر باشد. برای همین ما همیشه در کنار شعار سرنگونی به تبلیغ نظام برابر طلبانه ای که به آن اعتقاد داریم نیز می پردازیم. از اینرو ما هر جنبش اعتراضی - انقلابی و براندازانه را دعوت می کنیم تا در گسترش سنگربندی جنبش مدنی نیز سهمیم گردد. سنگر بندی مدنی به هیچوجه عقب گرد از جبهه انقلابی و خواست سرنگونی نیست. این شرکت در پیشرفت مدنی جامعه ای است که قرار است نهادهای مدنی آن ارکان جامعه نوین و برابری طلبانه ما پس از حکومت اسلامی باشند.

فکر می کنم این خود ذات شرایط بحرانی و طوفانهای سهمگین اجتماعی - سیاسی است که ژرف تفاوت دیدگاههای نظری و سیاسی را اگر خوب پیش از بحران سیاسی - اجتماعی شناخته و باز نشده باشند را عمیق تر از دره میان دو کوه می کند و براحتی می تواند کشتی جنبش سیاسی خفته و ناآماده چپ را در برخورد با طوفان سهمگین اجتماعی در هم شکسته و تکه تکه کند. این را هم در انقلاب اکتبر دیده ایم و هم در انقلاب بهمین. پس بیاییم از درس هایی که از روزهای طوفانی دیماه گرفته ایم سخن بگوییم و در رابطه با نکاتی که در باره آن توافق نداریم بحث کنیم. کسی نمی داند طوفان بزرگ سیاسی - اجتماعی که قرار است طومار حیات حکومت اسلامی را در هم بپیچد چه هنگام بر خواهد خاست. پیش از آنروز ممکن است وقت کافی برای بحث و انسجام نظری چپ نباشد.

حمید موسوی پوراصل

19 بهمن 1396

hamid@porasl.com